

به روایت روزنامه «آزادی» اولین شعر چاپ‌شده مهدی اخوان‌ثالث در سوگ منوچهر مهران سروده شده است

مرد عزم و بزم و رزم و گُرد میدانم کجایی؟

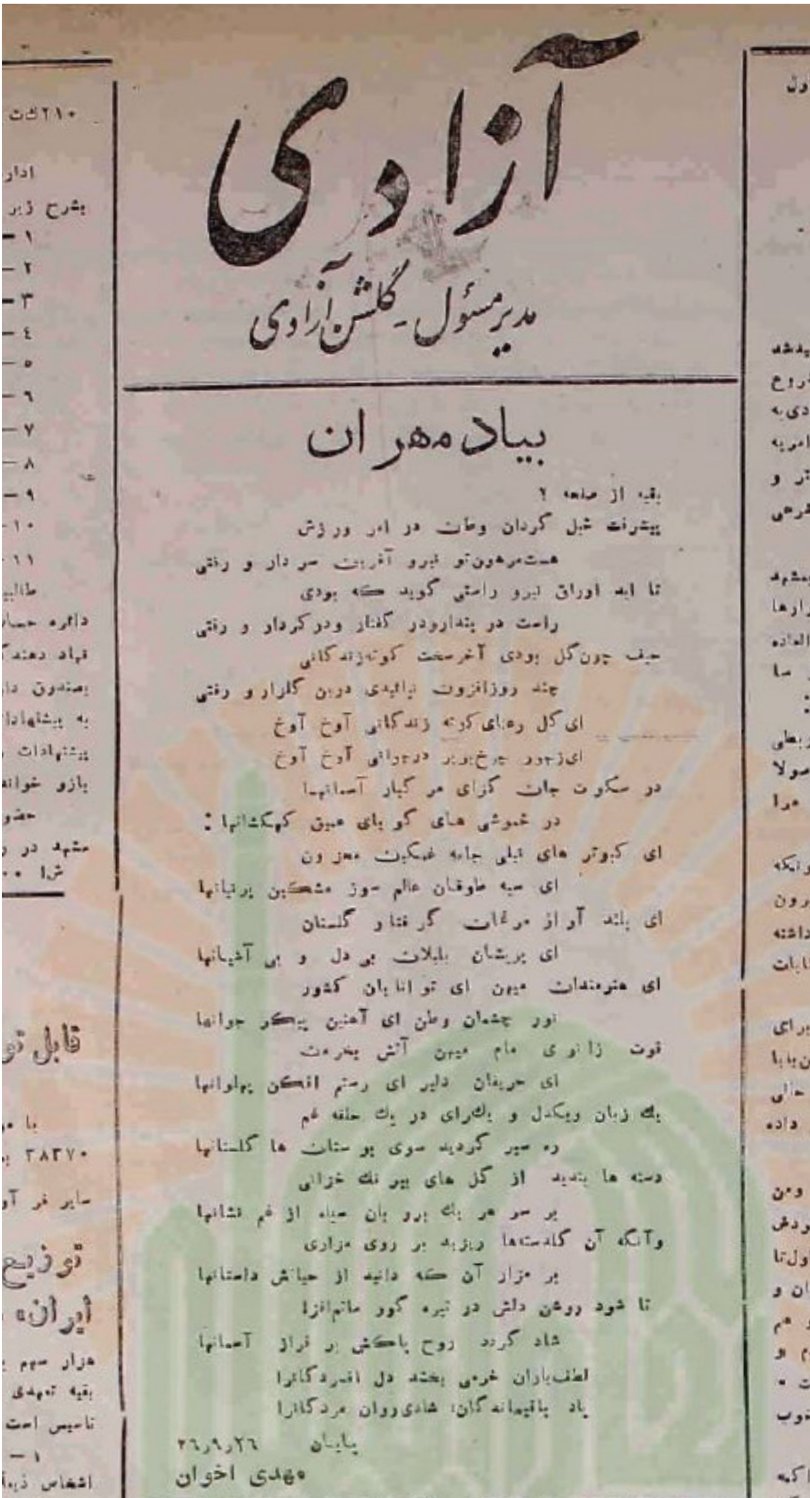


هوسین نیاز

اگر به سال‌های دومین دهه قرن گذشته برگردیم، در حوزه ورزش مشهد یک نام بیش از هر نام دیگری شنیده می‌شود، «منوچهر میرزا شهبور» یا همان «منوچهر مهران»؛ کسی که سال ۱۲۹۲ خورشیدی در مشهد به دنیا می‌آید اما علاقه‌اش به ورزش چنان است که در همان سال‌هایی که دانش‌آموز دبیرستان «دانش» است، علاوه بر انجام ورزش‌هایی چون کوه‌نوردی، ژیمناستیک و دوومیدانی، یکی از فوتبالیست‌های کلوب

ورزشی این مدرسه و مشهد نیز به‌شمار می‌رود. برای همین وقتی در سال ۱۳۰۶ تیم فوتبال «نادیا» از قفقاز به مشهد می‌آید، او یکی از بازیکنان تیم میزبان است. مهران که خود از دوران مدرسه و با هدایت پیش‌گامانی چون ناصرقلی‌خان رفیعا، محمود مؤیدزاده، علی‌نقی‌خان پرتوی، شهاب فردوس و ملک، به سمت رشته‌های مختلف ورزشی آمده است. خیلی زود به‌عنوان معلم ورزش جذب دبیرستان‌های شاهرضا و فردوسی می‌شود. از اینجااست که کار اصلی مهران در مشهد شروع می‌شود. به‌طوری‌که امروز او را یکی از پایه‌گذاران ورزش خراسان می‌دانند. تلاش او و

اطلاعات این گزارش برای نخستین بار است که منتشر می‌شود.



سطرهای پایانی ترکیب‌بند اخوان ثالث در سوگ منوچهر مهران؛ این اولین شعر منتشر شده از اخوان است که در نوزده سالگی او سروده و در روزنامه آزادی به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۲۶ چاپ شده است

اجتماعی مانند فوتبال، والیبال، بسکتبال و هاکی محسوب می‌شود، کم‌اینکه فوتبالیست‌هایی که از دبیرستان فردوسی به سرپرستی مهران در سال ۱۳۱۶ برای انجام مسابقه به تهران اعزام شدند، برای اولین مرتبه در دو مسابقه فوتبال، موفقیت حاصل نموده به مشهد مراجعت کردند. مهران در خارج از محیط فرهنگی با انتشار مقالات مفید و مؤثری که در روزنامه آفتاب شرق و سایر جراید منتشر نمود، موجبات تشویق را به ورزش‌های قدیم و جدید فراهم ساخت.»
آرشام در ادامه از انتقال مهران به تهران در سال ۱۳۱۷ می‌گوید و اینکه «مدتی عهده دار امور مسابقات و زمانی در دانشگاه تهران به خدمت اشتغال داشت.»
اوسیس به شکل‌گیری مجله «نیرووراستی» می‌پردازد و می‌نویسد: «در سال ۱۳۲۱ برای اولین دفعه در ایران اقدام به تأسیس و انتشار مجله نیرو و راستی نمود. مجله نیرووراستی باطرز خاص و بدیعی انتشار یافت و وسیله هدایت افکار جوانان ورزشکار ایرانی قرار گرفت و موجبات آشنایی عموم به مقررات خاص ورزش‌های بین‌المللی کامل و معرفی و قهرمانان ایران به دنیای ورزش گردید. دامنه فعالیت مهران در تهران روزبه‌روز توسعه یافت تا اینکه به فکر ایجاد باشگاه نیرووراستی افتاد و در راه ایجاد عشق به ورزش میان جوانان و منحرف‌نمودن آن‌ها از جاده‌های منحرفی که منجر به فسادوتیره‌روزی است. اقدامات مؤثری نمود و علی‌رغم تمام‌کیم‌تنوزی‌هاودشمنی‌هاوارکشنی‌های بعضی از همکارانش که باطبعی حسود و جاهلانه می‌خواستند مانع پیشرفت او شوند، با عزم و اراده‌ای راسخ به‌سوی هدف و مقصد نهایی خود پیش می‌رفت.

ادامه یادداشت ستوان یکم آرشام به سفرهای خارجی تیم‌های ورزشی مهران اشاره می‌کند: «مسافرت کاروان نیرو و راستی به عراق و کسب پیروزی‌های درخشان در سرزمین همسایه و مسافرت اخیر کاروان نیرو و راستی که بر حسب دعوت یکی از باشگاه‌های قدیمی و مهم ورزشی ترکیه صورت گرفت، موفقیت و به‌دست‌آوردن امتیازات در مسابقات قهرمانی کشور مؤید فعالیت شبانه‌روزی مهران بود و همیشه زحمات



«نیرو و راستی» منتشر می‌کند و تلاش می‌کند با معرفی ورزش‌های روز جهان، زمینه حضور تیم‌های ورزشی ایران را در پیکارهای جهانی و المپیک فراهم آورد. همواره یکی از چهره‌های اثرگذار ورزش مشهد باقی می‌ماند.

این اثرگذاری تا حدی است که وقتی بعد از ۱۱۹ آذر ۱۳۲۶ خبر فوت مهران ۳۴ ساله به مشهد می‌رسد، مردم شهر در بزرگداشت او سنگ‌تمام می‌گذارند. یکی از این مردم، مهدی اخوان‌ثالث است که نخستین شعر چاپی او در نوزده سالگی به «یاد منوچهر مهران فقید» منتشر شده است.



کارنامه تحصیلی اخوان در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶

● سوگ سروده اخوان برای مهران
همان‌طور که آفتاب شرق خبر داده است مجلس بزرگداشت منوچهر مهران عصر پنجشنبه، ۲۶ آذر، در دبیرستان فردوسی برگزار می‌شود. گزارش این مراسم در شماره ۲۵۲۲ روزنامه آزادی به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۲۶ درج شده است. در این گزارش ذیل تیتیر «به یاد منوچهر مهران فقید» چنین نوشته شده است: «از طرف انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی استان نهم به مناسبت درگذشت مرحوم منوچهر مهران، مجلس تذکری عصر پنجشنبه در تالار دبیرستان فردوسی با حضور جناب آقای اشرفی، استاندار و آقایان رؤسای ادارات، ارباب جراید و محترمین و فرهنگیان ورزشکاران مشهد منعقد گردید. جلو سن سیاه‌پوش شده، عکس مهران فقید در میان گل‌ها نهاده و در جلو آن چند شمع مانند دل‌های حضار می‌سوخت. پس از آنکه با قرائت کلام... مجید مجلس تذکر افتتاح گردید. آقای بهادری، معاون فرهنگ خراسان، خطابه مفصلی در تاریخ‌زدگانی مهران و خدمات برجسته‌ای که این مرد نامور و شریف در راه تربیت نسل معاصر نموده است، قرائت نمودند. یکی از محصلین کلاس پنجم دبیرستان شاهرضا اشعار مؤثری که در مرگ مهران سروده بود، خواند. در خاتمه مجلس آقای تقی موسوی، مخبر جریده شریفه اطلاعات که از جوانان حساس کشور و در سفر مهران به ترکیه حضور داشته‌اند، نطق مؤثری درباره زحماتی که مهران متحمل شده است و افکار و منویات آن جوان فقید ایراد نمودند و آقای استاندار نسبت به آقای محمد میرزا، پدر داغدیده مهران، ابراز تطفل فرموده و مجلس ساعت چهارونیم در میان تأثر حضار پایان یافت و نیز عصر جمعه از طرف انجمن باشگاه فردوسی در انجمن تبلیغات اسلامی مجلس تذکری به یاد مهران منعقد و دانشمند محترم آقای [محمدتقی] شریعتی نطق مؤثری در آن خصوص نمودند.»

ادامه این گزارش را می‌توان یکی از اتفاقات مهم ادبیات ایران برشمرد. علی‌اکبر گلشن‌آزادی، مدیر روزنامه آزادی که خود از شاعران شاخص و ادبای مشهد به شمار می‌رود، در ادامه خطوط بالا نوشته است، «اینک ما، اشعار آن محصل را که نخواسته است عجلالتا نامش طبع شود، برای نشان دادن طبع نیرومندش ذیلا بدون هیچ تغییری طبع می‌نماییم.»

محصلی که اینجا از او یاد می‌شود «مهدی اخوان ثالث»، بزرگ‌ترین شاعر نیمایی ایران است. اخوان در آن روزها نوزده‌ساله است و سال آخر تحصیلاتش را در رشته‌انگتری هنرستان فنی مشهد می‌گذراند و هنوز شهریور سال ۱۳۲۷ فرانرسیده است که مشهد راترک کند و برای شرکت در قرعه‌کشی خدمت وظیفه به تهران برود. او از سه سال قبل باشی به جلسات ادبی مشهد باز شده و به لطف تخلصی که استاد نصرت‌منشی‌باشی به او داده است در محافل ادبی با نام «امید خراسانی» شناخته می‌شود اما تاکنون چیزی منتشر نکرده است.

شاید همین مسئله انتشار نیافتن شعری از امید جوان در نشریات آن روزها، باعث شده است که از گلشن آزادی بخواهد که «عجلالتا نامش طبع نشود» اما از آنجا که گلشن آزادی خود شاعر است، می‌داند که این کلمات از طبع نیرومندی تراوید.

برای همین همه ترکیب‌بند او را بدون هیچ تغییری چاپ می‌کند. بررسی دیگر مطبوعات مشهد در سال‌های نخست شاعری مهدی اخوان‌ثالث مؤید این موضوع است که ترکیب‌بندی که او برای نوشتن مهران فقید خوانده و در صفحات ۱۲ و ۱۳ روزنامه آزادی مورخ ۲۹ آذر ۱۳۲۶ نشر یافته، نخستین شعر چاپ شده اوست. از آنجا که این شعر در هیچ کتاب یا منبع دیگری چاپ نشده است، ما نیز کل آن را بدون کم‌وکاست منتشر می‌کنیم.

اولین شعر چاپ شده اخوان که در هیچ کتاب یا منبع دیگری نیست



دارد امشب آسمان کشور ما حال زاری
کهکشان پوشیده بر اندام خود نیلی شعاری
تیره ابری در فضای بیکران گسترده فرشی
کرده روز دختران آسمان را شام تاری
ماه خون‌آلوده پیکر گاه‌گاهی رخ نماید
حکم‌فرما بر جهان گردد سکوت مرگ‌باری
بر درختان که وزد آهسته باد بی‌صدایی
برگ زردی گاهی افتد بر زمین از شاخساری
بشکند مَهر سکوت آید به گوش از راه دوری
تاله سوزنده مرغ حقی چون سوگواری
جغد بدبنیاد شومی بر لب بامی نشیند
نوحه مشنوم خود را سر کند با حال زاری
گردبادی آید از صحرا و برخیزد خروشی
روی گردون را پیوشد تیره‌طوفان غباری
همجو برقی آید و پنهان شود تیر شهابی
در دلی آتش فروزد اختر دنباله‌داری
ناگهان طغیان کند روحی، شود بی‌تاب قلبی
بغض گیرد در گلو ی ناتوان بی‌قراری
در فضا پیچد طنین گریه آتش‌به جانی
داغ دیده بانوی غم‌پرور شب‌زنده‌داری

اشک‌ها جاری کند بر گونه چون سیل خروشان دست لرزان، قلب سوزان، دیده گریان، سینه جوشان

گوید ای آرام روحم، راحت جانم کجایی؟
نور چشم تیره‌ام، خورشید رخشانم کجایی؟
روشنی بخش دل غم‌دیده‌ام، نخل امیدم
یوسف گم‌گشته من، ماه کنعانم کجایی؟
شام تاریکم به روی تابناکت بود روشن
رفتی و شد تیره صبح از دود هجرانم، کجایی؟
بی‌سروسامان شدم آواره صحرای حرمان
آخرای جمعیت حال پریشانم کجایی؟
من که چون پروانه می‌گشتم به‌دورت بی‌محابا
آخرای آتش‌زبان شمع شبستانم کجایی؟
من که دائم گوش می‌کردم بلندآوازی‌ات را
آخرای آیدای این مشکوی ویرانم کجایی؟
سلم دهر افکند تور ایرج افکن در ره تو
ای منوچهر من ای مهروی مهرانم کجایی؟

چشم من یک‌باره ناپینا شود گر خون نگریم با چنین ماتم بده انصاف آخر چون نگریم

آخر ای بلبل کشیدی دامن از گلزار و رفتی
غلغل افکندی میان کوچه و بازار و رفتی
سال‌ها در راه نیرومندی جان جوانان
روز و شب زحمت کشیدی راستی بسیار و رفتی
رنج‌ها بردی برای پیشرفت پهلوانی
عاقبت گفתי خداحافظ برادرار و رفتی
نوجوانان وطن را تربیت کردی و داری
دوست‌ها بسیار از مردان ورزشکار و رفتی
با جوانمردان ورزشکار بودی تا پسین دم،
دوستی مشفق، رفیقی خوب و یار غار و رفتی
ای بسا در راه تسهیل‌امور پهلوانی
رنج‌ها کردی تحمل خرم و خروار و رفتی
پیشرفت خیل گردان وطن در امر ورزش
هست مهربون تو نیروآفرین سردار و رفتی
تا بید اوراق نیرو راستی گوید که بودی
راست در پندار و در گفتار و در کردار و رفتی
حیف چون گل بودی آخر سخت کوته‌زدنگانی
چند روز آفرین ناپیدیی درین گلزار و رفتی

ای گل رعنائی کوته‌زدنگانی آوُخ! آوُخ! ای ز جور چرخ برپر در جوانی آوُخ! آوُخ!

در سکوت جان‌گرای مرگ بار آسمان‌ها
در خموشی‌های گویای عمیق کهکشان‌ها
ای کبوترهای نیلی جامه غمگین محزون
ای سیه طوفان عالم‌سوز مشکین پرنیان‌ها
ای بلندآواز مرغان گرفتار گلستان
ای پریشان بلبلان بی‌دل و بی‌آشیان‌ها
ای هنرمندان میهن‌ای توانایان کشور
نور چشمان وطن، ای‌انجین‌پیکر جوان‌ها
قوت زانوی مام میهن آتش‌به‌خرمن
ای حرفیان دلیرای رستم‌افکن پهلوان‌ها
یک‌زبان و یک‌دل و یک‌رای در یک حلقه غم
ره سپر گردید سوی بوستان‌ها، گلستان‌ها
دسته‌ها بندید از گل‌های بی‌رنگ خزانی
بر سر هر یک به رویان سیاه از غم نشان‌ها
و‌آنکه آن گلدسته‌ها ریزید بر روی مزاری
تا شود روشن دلش در تیره‌گور ماتم‌افزا
شاد گردد روح پاکش بر فراز آسمان‌ها
لطف یاران خرمی بخشد دل افسردگان را
یاد باقیماندگان، شادی روان مردگان را
پایان ۲۶/۹/۱۳۲۶، مهدی اخوان

شهر

اشنبه ۷ بهمن ۱۴۰۲
۲۵ رجب ۱۴۴۴
شماره ۴۳۱۸

۱۵



تاریخ و هویت

منابع: کتاب «اخبار خراسان دوره محمدرضا شاه»، جلد‌های ۲ و ۱۲، پژوهش و گردآوری: سیدمهدی سیدقطبی، نشر مجمع ذخایر اسلامی «نیرو و راستی» سال ۱۳۲۶ خورشیدی روزنامه آزادی شماره ۲۵۲۲ به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۲۶